روزنه

در جلسه مشترک اعلام شد

تصمیم مشترک فراکسیون امید و شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان

● **ایلنا:** جلسه اعضای هیئت‌رئیسه فراکسیون امید مجلس و هیئت‌رئیسه شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، بعدازظهر دیروز به ریاست محمدرضا عارف برگزار شد. در این جلسه هریک از اعضا به بیان نظرات خود درباره کابینه دولت دوازدهم و چگونگی اقدام در جهت تعامل با دولت پرداختند. در پایان این جلسه نیز ضمن تأکید بر ادامه این جلسات، مقرر شد کمیته تعامل فراکسیون امید با دولت، در کنار کمیته تعامل شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان با دولت، به رایزنی و تبادل‌نظرهای خود با رئیس‌جمهوری و دولت با هدف تشکیل کابینه قوی و کارآمد و همسو با مطالبات مردم، ادامه دهند.

آخرین وضعیت سلامتی کروبی

● سیدحسن قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر بهداشت، درباره آخرین وضعیت مهدی کروبی به ایرنا گفت: شامگاه سه‌شنبه برای دومین‌بار به عیادت حجت‌الاسلام مهدی کروبی رفتم. وی به علت ناراحتی قلبی در بیمارستان بستری است و خوشبختانه حالشان خوب است و در چند روز آینده از بیمارستان مرخص می‌شود. وزیر بهداشت گفت: آقای کروبی از روز دوشنبه به علت مشکلی که از نظر ضربان قلب داشت، در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شد و لازم است تا یکی، دو روز دیگر در بیمارستان باشد تا کنترل و آزمایش‌های لازم برایش انجام شود. او افزود: در دیدار با آقای کروبی مدتی با هم صحبت کردیم و در حین صحبت با وجود هیجاناتی که حین صحبت داشتیم، پزشک معالج، دوباره وی را معاینه کرد که مطمئن شدیم حالشان کاملا خوب است و جای نگرانی وجود ندارد.

تکذیب ادغام مجمع مدرسین و محققین و روحانیون مبارز

● **تسنیم:** عضو شورای مرکزی مجمع مدرسین و محققین خبر ادغام این تشکل را با مجمع روحانیون مبارز تکذیب کرد. حجت‌الاسلام ابوالفضل موسویان عضو شورای مرکزی مجمع مدرسین و محققین گفت: من به‌شدت این موضوع را تکذیب می‌کنم. ما چنین بنایی نداریم، چراکه مجمع روحانیون در تهران هستند و بیشتر فعالیت اجتماعی و سیاسی دارند، اما ما در قم هستیم و بیشتر کارمان فعالیت در حوزه است و ادغام این دو معنا ندارد. عضو شورای مرکزی مجمع مدرسین و محققین با بیان اینکه جلسات مشترک بین «مجمعین» طبیعی است، چون همه گروه‌ها ممکن است با هم جلسات مشترک داشته باشند، گفت: ما هم با مجمع روحانیون اختلافی نداریم، ولی کار ما دو تشکل از هم جداست.

شریعتمداری: پرونده هسته‌ای باید از دولت گرفته شود

● **فارس:** حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان با بیان اینکه در چهار سال گذشته دولت به‌وضوح نشان داده که توان و تخصص لازم را برای ورود به پرونده هسته‌ای کشورمان نداشته است، گفت: دولت در این مدت با وجود اینکه بیشترین ظرفیت و امکانات نظام را به پای برجام ریخته و هزینه کرده است، هیچ دستاوردی در پی نداشته است. مدیرمسئول روزنامه کیهان با بیان اینکه اگر قرار باشد پرونده هسته‌ای به همین ترتیب ادامه پیدا کند، قطعا ما با خسارت‌های بیشتری روبه‌رو خواهیم بود، گفت: «بنابراین باید پرونده از دست دولت خارج و به هیئتی مرکب از کارشناسان برجسته و متخصصان ورزیده سپرده شود که البته افرادی از دولت هم می‌توانند عضو این هیئت باشند ولی اداره امور آن نباید در اختیار دولت باشد؛ چراکه چهار سال برای بروز ناتوانی و عدم تخصص دولت کافی است و آزموده را آزمودن خطاست».

واگذاری فاز دوم برج میلاد به ناجا در روزهای پایانی شهرداری تهران

● **خانه ملت:** پروانه مافی، عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مجلس با انتقاد از واگذاری اجرای فاز دوم برج میلاد به ناجا، گفت: «ناجا تکالیف امنیتی و انتظامی را عهده‌دار است بنابراین ارتباطی با اجرای پروژه‌های شهرداری ندارد. عقد قرارداد بین شهرداری و ناجا و واگذاری اجرای فاز دوم برج میلاد به نیروی انتظامی کاملا اشتباه است زیرا وظیفه ناجا اجرای پروژه‌های شهری نیست. ناجا موظف به اجرای امور انتظامی و برقراری امنیت و... است و ارتباطی بین وظایف این مجموعه با اجرای پروژه‌های شهری نیست، هرچند در گذشته نیز شاهد عقد چنین قراردادهایی بوده‌ایم اما در این برهه دیگر به طور جدی باید از آن پرهیز شود».

politics@sharghdaily.ir

آرزوهای بزرگ

مهرداد خلیلی: هربار که به پایان دوره چهارساله دولت نزدیک می‌شویم، انبوه اخبار درباره گزینه‌های وزارتخانه‌های مختلف برای دوره دوم دولت بر سر مخاطبان آوار می‌شود. گروکشی گروه‌های سیاسی در ایران برای افزایش نفوذ در بدنه اجرائی، اکنون کار را به جایی رسانده است که دیگر کسی نگاهی به کارنامه و عملکرد مدیران مستقر در دولت نمی‌اندازد و تنها بر طبل نام دلخواه خود می‌کوبند. به‌همین‌دلیل است که گرچه عمر دولت‌های ایران چهار سال است، ولی عملا وزرا کمتر از دو سال فرصت دارند تا به رتق‌وفتق امور اجرائی بپردازند. یک‌سال اول دوره یا باید پاسخ‌گوی انبوه مطالبات گروه‌ها و اشخاص مدعی باشند که از کنار حمایت مادی و معنوی خود سهمی از مدیریت‌های تابعه می‌خواهند یا باید انبوه کارهای نیمه‌کاره و وعده‌داده‌شده را مدیریت کنند و یک سال پایانی را در تلاش برای توجیه مدعیانی که عزم خود را برای تصرف صندلی‌های وزارت و مدیریت‌های مجموعه جزم کرده‌اند و بی‌پروا و بدون دلیل نافی همه تلاش‌های انجام‌شده هستند، بگذرانند. در این میان برخی از وزارتخانه‌های دولت بیش از بقیه در معرض این توفان سهم‌خواهی قرار دارند. به‌طورمعمول وزارتخانه‌های متولی اقتصاد، صنعت، راه و نفت در خط مقدم این ماجرا قرار دارند، اما در بخش‌هایی نظیر حوزه‌های اجتماعی این امر کمتر به چشم می‌خورد. حوزه‌های اجتماعی کابینه محلی است برای پوست‌انداختن وزرا. انبوهی از مطالبات انباشته و بی‌پاسخ‌مانده از دهه‌های گذشته و هزارویک مشکل و معضل اداری به‌علاوه کمبود بودجه و...، اما با تجمیع وزارتخانه‌های تعاون، رفاه و کار، تنها وزیری که باید بیشترین زخم‌زبان را تحمل کند و بالاترین میزان ناملایمت را بر جان بخرد، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است؛ وزارتخانه‌ای که پایش از هر سو در کفش همه بخش‌ها فرورفته است؛ از نفت و پتروشیمی، فولاد و کنسانتره و آهن، راه و دریا، دارو و بیمه‌های اجتماعی تا سرامیک و سیمان و قس‌علی‌هذا. داشتن بزرگ‌ترین مجموعه سرمایه‌گذاری کشور با پرتفویی غیرقابل‌تصور تنها در یکی از هلدینگ‌های خود به نام شستا شاید برای هر وزیری کابوسی باشد، آن هم با هزاران پرونده گشوده و ناگشوده از دوره‌های گذشته که حکایتش به یکشنبه سیاه مجلس کشیده شد و برای اولین‌بار در تاریخ جمهوری اسلامی، رؤسای دو قوه را چنان رودرروی هم قرار داد که گلایه مسئولان عالی کشور درباره اهمیت رعایت «شئونات نظام» را در پی داشت. بدهی چندهزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی آن‌قدر منابع مالی آن سازمان را در تنگنا قرار داده بود که همه آگاهان به بروز تنش‌های اجتماعی هشدار می‌دادند. در کنار این، ماجرای بزرگ‌ترین اختلاس مالی کشور و کشیده‌شدن پای این سازمان بیمه‌گر به دادگاه هم بر بی‌اعتمادی قشر کارگران و نگرانی از حیف‌ومیل ذخایر آن می‌افزود. کلاف سردرگم یارانه‌ها و دست به دعا و نیایش‌شدن مدیران ارشد کشور برای تأمین یارانه وعده‌داده‌شده، از سویی و تخلف قانونی در حذف‌نکردن بخشی از افراد یارانه‌بگیر غیرضروری، باعث شده بود که نظام مالی کشور هرروز بیش از پیش تحت فشار قرار گیرد و کمتر کسی حاضر بود سینه سپر کند و مسئولیت حذف مردم عادت‌کرده به دریافت یارانه را بپذیرد. همه اینها در کنار اخبار هرروزه از تجمع بازنشستگان صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد، بازنشستگان کشوری و اعتراضات کارگری، کار را به مرز بحرانی اجتماعی کشانده بود. نکته مشترک همه این فسادهای گسترده مالی و تمکین‌نکردن به قوانین و ریخت‌وپاش‌های بی‌حساب‌وکتابی بود که گذشتگان برای رفع فشار سهم‌خواهان به آن تن داده بودند. در چنین شرایطی در دولت یازدهم، علی ربیعی سکان‌دار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شد، مردی که بیش از هر چیز دارای کارنامه‌ای عملی و تئوریک در مبارزه با فساد و البته فعالی سیاسی و رسانه‌ای بود که در سال‌های گذشته بیشتر از هر چیز خود را وقف آموزش و راهنمایی پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های دانشجویانش کرده بود. دستور کار این وزیر اجتماعی که میراث‌دار بزرگ‌ترین بنگاه‌های اقتصادی کشور شده بود، ساده و روشن بود؛ ریشه فساد باید در تمامی بخش‌های تابعه قطع شود. بنگاه‌ها از پشت دیوارهای بلند خارج شده و کارنامه آنان شفاف شود. مدیران باید کمربندهای خود را محکم بسته و سودای حقوق گذشتگان را از سر خارج کنند. همین بود که در نخستین بخشنامه‌های او کاهش حقوق و پرداخت مدیران ثبت شد؛ موضوعی که باعث گلایه و انتقاد بسیاری از دوستان و یارانش شد. تثبیت شرایط اقتصادی صندوق‌های چهارگانه و حمایت راهبردی در اجرای مهم‌ترین وعده‌های رئیس‌جمهور؛ یعنی حذف افراد غیرلازم از چرخه دریافت یارانه‌ها و اجرای طرح تحول سلامت با پشتوانه منابع مالی صندوق‌های بیمه‌ای- بدون واردکردن فشار به منابع مالی عمومی کشور- گرچه برای کشور دستاوردهای فراوانی را به‌همراه آورد، ولی در این میان دوستان بسیاری را دشمن و دشمنان بسیاری را خشمگین کرد. حالا در پایان راه دولت یازدهم، هرروز خبرهایی از تغییرات کابینه دولت روحانی منتشر می‌شود؛ خبرسازی‌هایی که تغییر در مهم‌ترین و گسترده‌ترین وزارتخانه اجتماعی کشور است، یکی از آرزوهای طراحان آن است؛ کسانی که تصور می‌کنند با به‌دست‌آوردن شاه‌کلید مهم‌ترین بنگاه‌های اقتصادی کشور در وزارت رفاه، می‌توانند به بسیاری از آرزوهای خود، جامه عمل بپوشانند.

به بهانه بازگشایی دفتر حزب اتحاد ملت در محله کودکی حجاریان

نامه‌ای به نازی‌آبادی‌ها

مرجان توحیدی: این‌گونه خطابشان می‌کند: «دوستان عزیز، بچه‌محل‌های گرامی!» و این خطابه انگار بوی بازگشت می‌دهد؛ به کوچه‌پس‌کوچه‌های کودکی و نوجوانی. به جنوب شهر، نازی‌آباد. همان محله‌ای که سعید حجاریان از آن برخاست، حاج داوود کریمی، عباس عبدی، اکبر گنجی و محمد پروازی و در همان حول و حوش هم عمادالدین باقی.

حالا که حزب «اتحاد ملت» دفتری را در نازی‌آباد افتتاح می‌کند، سعید حجاریان فرصت را مغتنم می‌داند تا در توصیف نازی‌آباد و قدرت این محل و بچه‌محل‌های خودش چند کلمه‌ای بنویسد و البته از حزب اتحاد بخواهد در کنار سازمان‌های مردم‌نهاد برای رفع مشکلات این منطقه اقدام کند. این توصیه را می‌توان به‌مثابه نقطه‌عطفی در نگرش و کنش فعالیت‌های تشکیلاتی جریان اصلاحات قلمداد کرد؛ بازگشت به انگاره‌های عدالت‌خواهانه.

حجاریان در این متن به سوابق نازی‌آبادی‌ها در قبل و بعد از انقلاب اشاره کرده و می‌نویسد: «نازی‌آباد سابقه سازماندهی قوی دارد و پیش از انقلاب مرکزیتی بود برای محله‌هایی مانند جوادیه، آبان، علی‌آباد، جوانمرد قصاب، خزانه، یاخچی‌آباد، یافت‌آباد، خانی‌آباد نو و... نازی‌آبای‌ها با ارتباطات و قدرت سازماندهی که داشتند، در راستای پیروزی انقلاب گام‌های بزرگی برداشتند و پس از پیروزی نیز ضمن توزیع ارزاق و نفت و... به کمیته‌ها سازمان دادند و در دوره جنگ شهدای زیادی را تقدیم انقلاب کردند». حجاریان در ادامه این متن که شبیه بیانیه است، اضافه کرده: «بافت نازی‌آباد بالقوه این استعداد را دارد که سازمان‌دهی قوی در آن صورت بگیرد چراکه در میان مناطق جنوب شهر، همواره جزء مناطق اصلاح‌طلب بوده و هست و اصلاح‌طلبان همواره در آن دست بالا را داشته‌اند». او سپس در نقطه کلیدی این بیانیه می‌گوید: «این دفتر تازه‌تأسیس وظایف حزبی- سیاسی برعهده دارد که طبعا از مرکز ابلاغ می‌شود اما ناگفته نماند که نازی‌آباد از زمان انقلاب به این سو با رشد جمعیتی پدیدآمده دچار آسیب‌های زیادی به‌خصوص در زمینه اشتغال، اعتیاد و ناهنجاری‌های اجتماعی شده است که هم‌اکنون انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در این محل متکفل رفع آنها هستند و دفتر حزب اتحاد نیز می‌تواند با ارتباط‌گیری با آنها در حد وسع به مرتفع‌کردن این مسائل کمک کند».

بعد هم به ضرورت کادرسازی و جریان‌سازی در جنوب شهر اشاره کرده و ادامه می‌دهد: «نازی‌آباد محله‌ای است کارگری و رهبران محلی نقش مهمی در هدایت و سازماندهی اقشار کارگری به عهده دارند که اگر حزب نازی‌آباد بتواند از این رهبران محلی تبعیت کند بار سنگینی را برداشته است. در پایان یادآور می‌شوم که تشکیل جلسات کتاب‌خوانی و سخنرانی و آموزش دانش سیاسی و انتقال تجربیات سینه به سینه که دورکردن ما از فضای مجازی را به دنبال دارد از جمله ضرورت‌هایی است که به مرور اعضای پایه را به کادرهای حرفه‌ای حزبی تبدیل می‌کند و به هیچ وجه نباید آن را نادیده بگیرید».

نازی‌آباد کجاست

نازی‌آباد، محله‌ای است که قبل از انقلاب نقطه سیاست‌ورزی از نوع چریکی و مبارزات مسلحانه بود و در نخستین روزها بعد از پیروزی انقلاب هم محل جوشش و پیدایش نهادهای تازه‌تأسیسی بود که آبشخور فکری آنها از بچه‌های همین محل بود. از تأسیس کمیته‌های انقلاب گرفته تا تأسیس سپاه پاسداران. انقلابی‌های جوانی که بعضی از آنها دبیرستان را عمدتا در دبیرستان الهی نازی‌آباد گذراندند، کتاب‌های شریعتی و مطهری خواندند، پای تفسیرهای موسوی‌خوئینی‌ها در مسجد جوزستان نشستند، آموزش‌های چریکی دیدند و دانشگاه تهرانی شدند و بعد هم انقلابی.

عکس: عباس کوثری، شرق

ایدئولوژی چپ اسلامی داشتند و درصدد برقراری عدالت و مبارزه با استعمار و استکبار و امپریالیسم بودند. پرچم عدالت به دست گرفتند و بعدا اگرچه به خط‌امامی‌ها شهره شدند، اما در جریان‌شناسی به واسطه تعلق پایگاه فکری به چپ مشهور شده بودند. تا پایان دولت‌های هاشمی‌رفسنجانی هم همچنان به این پایگاه فکری پایبند بودند. سیاست‌های اقتصادی راست‌گرایانه دولت هاشمی را مورد شدیدترین انتقادات قرار می‌دادند و از فقر و تورم بارها در روزنامه‌هایشان مقاله می‌نوشتند. پرچم‌دار عدالت بودند با این حال رفته‌رفته با طرح‌شدن مباحث فکری جدید در حوزه اندیشه، در دهه ۷۰، پرچم آزادی به دست گرفتند. «چپ‌های خط‌امامی» به «دوم‌خردادی‌ها» تبدیل شدند و با همین شعار پیروزی بر رقیبی پرقدرت را به دست آوردند و در طول هشت سال فعالیت و دولت‌داری تلاش کردند اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و دموکراسی‌طلبانه را رشد و بسط دهند. اگرچه در کنارش توسعه اقتصادی هم داشتند. اما از آن اقتصاد دولتی فاصله گرفته و بر خصوصی‌سازی تأکید می‌کردند. این تغییر فاز تا جایی پیش رفت که سال ۸۴ در جریان تفرقه‌ای که چپ و راست قدیم در آن غوطه‌ور بودند، گزینه‌ای از دل جریان راست پدید آمد و پرچم به‌زمین‌افتاده عدالت را به دست گرفت. در بهت و حیرت همگانی احمدی‌نژاد در نقش یک منجی برای طبقات آسیب‌پذیر تجلی پیدا کرد؛ ظهور پوپولیسم.

نگران حاشیه‌ها

سعید حجاریان از سال ۸۰ نشانه‌های چنین وضعیتی را پیش‌بینی کرده و در مقاله «اسیر جنبش فرومایگان» از خطر مرجع‌شدن لمپن‌ها در غیاب نخبگان سخن گفته بود. بعدا آن‌گونه که خود توضیح داده در مقاله‌های «خطر پوپولیسم» و «حاشیه علیه متن» درباره سال ۸۴ درباره ظهور پوپولیسم و خطرات آن گفته بود. او در مصاحبه با روزنامه ایران به سال ۹۴، گفته بود: «سال ۸۴ مقاله‌ای با عنوان «خطر پوپولیسم» نوشتم و هشدار دادم ممکن است کسی بیاید و ادعاهای پوپولیستی مطرح کند. آن موقع ادعا کرده بودند که پول نفت را سر سفره مردم می‌آوریم و ۴۰ هزار تومان هم یارانه می‌دهیم. در مقاله «حاشیه علیه متن» نیز به این خطر اشاره کردم؛ خطری که هنوز هم وجود دارد؛ در خیلی از شهرها، مرکز شهر به اصلاح‌طلبان رأی می‌دهند؛ اما در حاشیه، آرا نصیب اصولگرایان می‌شود. یکی از هدف‌های ما در انتخابات سال ۹۲، حذف دولت سودایی بود. آقای روحانی هم دیدگاه مشابهی داشت». یک سال قبل از آن یعنی سال ۹۳ هم به «شرق» گفته بود: «ما همیشه مشکل حاشیه و متن داریم. مسئله حاشیه که حل نمی‌شود؛ اما بعضی وقت‌ها شدید و بعضی مواقع ضعیف می‌شود. آقای روحانی الان تلاش می‌کند با بیمه همگانی یا حتی بیمه کودکان کار و خیابانی، مشکل حاشیه‌نشین‌ها را حل کند. من می‌بینم آقای روحانی همواره در سرای سالمندان یا مراکز بهزیستی است. در بیشتر تصاویر ایشان، دکتر ربیعی و دکتر هاشمی در کنار او هستند. دلیل اینکه این دو وزیر همواره در کنار آقای روحانی دیده می‌شوند، این است که ایشان نگاه به حاشیه دارد. او دنبال این است که فاصله موجود بین حاشیه و متن را کاهش دهد. شما ببینید در تهران ماشین‌های پورشه و مازراتی جولان می‌دهند؛ درحالی‌که در کوره‌پزخانه‌ها و حاشیه شهرهای بزرگ، عده زیادی از مردم با مشکلات جدی روزمره دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بنابراین روحانی تلاش می‌کند برخلاف احمدی‌نژاد که می‌خواست با تزریق پول نقد، مشکلات حاشیه‌نشین‌ها را حل کند، با تدبیر و سیاست‌های اصولی خود دنبال رفع تبعیض باشد. اینجا بگویم که حاشیه برای احمدی‌نژاد اصل بود. حاشیه پایگاه رأی احمدی‌نژاد بود و او به جنگ حاشیه علیه متن دامن می‌زد. کم مانده بود که به حاشیه فرمان حمله به متن بدهد. اگر می‌توانست این کار را می‌کرد مانند چاوز و مورالس؛ فرمول آنها نیز همین بود؛ اما روحانی نمی‌خواهد نفرت ایجاد شود و از طرفی هم نمی‌خواهد پوپولیست باشد. سعی می‌کند تا حدودی مشکل را با تدبیر حل کند؛ بدون تهییج و نفرت‌پراکنی».

محال است راست، چپ شود

حجاریان در سال ۹۶ در تحلیلی که از انتخابات ریاست‌جمهوری ارائه داد، دقیقا به همین موضوع عدالت اشاره کرد و نوشت: «رقیب نهایی روحانی، در سفرهای استانی و مناظره اقتصادی- اجتماعی چندین شعار محوری مطرح کرد که شاید مهم‌ترین آنها برپایی عدالت اجتماعی و ازبین‌بردن فاصله طبقاتی بود. این شعارها چنان که می‌دانیم، از ابتدای آن متعلق به جناح چپ بوده است و به همین دلیل این پرسش در اذهان به وجود آمده که جناح راست را چه شده است، آیا آنها هم مانند چپ‌ها شده‌اند؟ در پاسخ باید گفت محال است راست، چپ شود؛ چراکه چپ‌بودن ملزومات تئوریکی دارد که اصولگرایان از آن بی‌بهره بوده‌اند. اهالی این جناح درواقع چپ‌نما هستند و تنها تعریفشان از مفهوم عدالت، صدقه‌دادن است؛ چنان که شاهد بودیم کاندیدای اصلی این جریان در بُعد ایجابی تنها از پرداخت پول سخن گفتند. البته باید توجه داشت که اصلاح‌طلبان نیز آن‌گونه که باید به بحث عدالت نپرداخته‌اند. جریان اصلاحات در مقاطعی عدالت را برابر تعادل دانسته و مسئولیت رسیدن به رهیافت‌های عدالت‌خواهانه را بر دوش احزاب محافظه‌کار اردوگاه خود گذاشته است. در جریان اصلاحات، برخلاف جریان مقابل، پایه علمی وجود داشته و دارد چنان که دیدیم در دولت‌های هفتم و هشتم وضعیت اقتصاد بهبود یافت؛ اما پایان فعالیت دولت اصلاح‌طلبان و تأثیرگذاری موضوع «جهانی‌شدن»، باعث شد ما هم تقریبا نتوانیم مسائل تئوریک خود را به عرصه عمل بکشانیم».

حالا چند ماه از انتخابات گذشته و به نظر می‌رسد نازی‌آبادی قدیمی که مدت‌هاست از محل سکونت دوره نوجوانی‌اش فاصله گرفته و در خیابان‌های بالای شهر زندگی می‌کند، همچنان به جنوب شهر تعلق خاطر دارد؛ از قدرت کادرسازی در این محله‌ها سخن گفته و تأکید دارد در کنار فعالیت سیاسی، باید وارد فاز فعالیت‌های اجتماعی هم شد و احتمالا آن عدالت ازدست‌رفته که مرهون نگاه‌های جریان چپ دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ بود، به اواخر دهه ۹۰ تزریق شود تا به قول حجاریان بتوان از پوپولیسم و اقتصاد صدقه‌ای فاصله گرفت.

خبر

مرکز اطلاع‌رسانی وزارت کشور:

دلیل تمکین وزیر کشور به نظر شورای نگهبان

● **ایرنا:** مرکز اطلاع‌رسانی و امور بین‌الملل وزارت کشور به خبر منتشرشده از سوی یکی از رسانه‌ها به نقل از قائم‌مقام حزب اعتماد ملی مبنی بر اینکه پنج میلیون نفر در انتخابات ۲۹ اردیبهشت در صف ماندند و نتوانستند رأی دهند، پاسخ داد. در این اطلاعیه آمده است: «در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری و پنجمین دوره شوراهای اسلامی کشور، وزیر محترم کشور به استناد ماده (۲۰) قانون انتخابات ریاست‌جمهوری و بنابر بر ضرورت و حق قانونی خود اقدام به تمدید پیاپی انتخابات تا ساعت ۲۴ کرد و با توجه به استقبال مردم به روال انتخابات ادوار گذشته تصمیم بر اخذ رأی از تمامی افراد حاضر در شعب تا بعد از ساعت ۲۴ بود اما شورای نگهبان با استناد به همان ماده قانونی که اخذ رأی باید در یک روز (روز جمعه) انجام گیرد و به استناد ماده (۸) قانون فوق‌الذکر که نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست‌جمهوری را عام و استصوابی و در همه مراحل می‌داند، اعلام کرد در صورت تمدید زمان اخذ رأی تا روز آینده (بامداد ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۶) ناظرین خود را از شعب فرا می‌خواند و اقدام به ابطال کل آرا یا آرائی که پس از ساعت ۲۴ اخذ شده است می‌نماید. در چنین شرایطی وزیر کشور جهت صیانت از آرای مردم و جلوگیری از ابطال انتخابات حاضر به پذیرش درخواست شورای محترم نگهبان گردید.

در هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان

شکایت دادستانی از محمود صادقی بررسی می‌شود

● **ایلنا:** عضو هیئت‌رئیسه فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی با اشاره به شکایت دادستانی تهران از او، از رسیدگی به این شکایت در هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان خبر داد. محمود صادقی با اشاره به شکایت دادستان عمومی و انقلاب تهران از وی اعلام کرد: دادستانی به‌دلیل مسائلی که بنابر گزارش تفریغ بودجه سال ۹۴ دیوان محاسبات در نطق میان‌دستور مطرح کردم، از من شکایت کرده است. او گفت: براین‌اساس دادستانی با عنوان نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان شکایت کرده و قرار است پس از اتمام تعطیلات مجلس برای ارائه دفاعیاتم در این هیئت حاضر شوم. رئیس فراکسیون شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد و انضباط مالی مجلس شورای اسلامی گفت: درباره این گزارش تفریغ، در دادستانی دیوان محاسبات پرونده تشکیل شده و هم‌اکنون در حال رسیدگی است که مراحل بعدی بنابر روال خود دنبال می‌شود.

صدور کیفرخواست برای ۵ استاندار

● **ایسنا:** دادستان تهران در نشست شورای معاونان دادستانی تهران درباره آخرین نتیجه رسیدگی به پرونده‌های انتخاباتی گفت: دستگاه قضائی مصمم است پرونده‌های انتخاباتی را به نتیجه برساند و رسیدگی مطلوب به پرونده‌ها کار مثبتی است که نتیجه زحمات قضات در دادسراهای کارکنان دولت و فرهنگ و رسانه است و برای پنج استاندار دیگر کیفرخواست صادر شده که تاکنون هفت استاندار تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. جعفری‌دولت‌آبادی افزود: قبلا ایراد می‌گرفتند که تعلل قوه قضائیه در رسیدگی به پرونده‌های تخلفات انتخاباتی به‌گونه‌ای است که این پرونده‌ها تا زمان انتخابات بعدی به نتیجه نمی‌رسند؛ صرف‌نظر از وارد بودن یا نبودن این انتقاد، حال که دادسرای تهران درصدد رسیدگی سریع به این‌دسته از پرونده‌هاست، مدعی‌اند این تسریع و اطلاع‌رسانی با انگیزه سیاسی انجام می‌شود.